

شرکت کننده در این مراسم موقعیت جغرافیایی ایران را، به عنوان پل اصلی برای دسترسی کشورهای خزر- آسیای مرکزی به دنیای خارج تعریف کردند (۲۰). فرضیه پیشنهادی ارتباط ژرفای ژئوپولیتیک شمالی ایران به ژرفای ژئوپولیتیک جنوبی‌اش شامل این بحث بود که چنین ارتباطی می تواند دسترسی مستقیم کشورهای عربی تولید کننده نفت خلیج فارس به منطقه خزر- آسیای مرکزی را تسهیل کند: کشورهایی که ممکن است خواهان درگیر کردن منافع ملی خود در فعالیت های اقتصادی منطقه ای باشند که می رود در بازارهای بین المللی انرژی رقیب منطقه خلیج فارس شود. همین گونه، به عنوان یک پل سرزمینی ارتباط دهنده خزر- آسیای مرکزی به اقیانوس هند، ایران می تواند نقشی محوری را در روابط بازرگانی هندوستان با آن منطقه عهده گیرد. کشتی های بازرگانی هندوستان در حال حاضر از بندر های گرجستان و اوکراین استفاده می کنند به اضافه صدها کیلومتر راه خشکی که از سرزمین های روسی می گذرد تا به آسیای مرکزی رسد. ایران پیشنهاد کرده است که هندوستان هزینه تاسیس هفتصد کیلومتر راه آهن وصل کننده باقی به مشهد را تامین نماید (۲۱)، تا راه دسترسی خلیج فارس به آسیای مرکزی را صدها کیلومتر کوتاه‌تر سازد. چنین کاری می توانست هندوستان را در آسیای مرکزی از برتری رقابتی آشکار نسبت به دیگران در شبه قاره برخوردار سازد و بر اساس درک همین موقعیت ممتاز بود که هندوستان و ترکمنستان در تاریخ ۲۲ فوریه ۱۹۹۷ با ایران قراردادی برای گسترش ارتباطات ترانزیتی امضاء کردند، ولی اغواگری های مالی و اقتصادی ایالات متحده، به ویژه در زمینه همکاری هسته ای و گسترش بازار داخلی آمریکا به روی تجارت هندی، سرانجام توانست هندوستان را از درگیر شدن در بازی ژئوپولیتیک جدید و رقابت با دیگران در منطقه خزر – آسیای مرکزی باز دارد. آمریکا سخت کوشیده و هنوز می کوشد حتی در کار واقعیت یافتن لوله های گازرسانی ایران به پاکستان و هندوستان اخلال کند.

در دسامبر ۱۹۹۱ قزاقستان و ایران قراردادی را امضاء کردند که جمهوری های آسیای مرکزی را از امکان ارتباط دادن شبکه راه آهن خود به خلیج فارس از راه ایران برخوردار می سازد (۲۲). قرارداد دیگری که در همان سال میان ایران و اتحاد از میان رونده شوروی امضاء شد، عبور اقوام ترکمن، ارمنی و آذری از مرزهای دو کشور تا ژرفای ۴۵ مایل در ایران و جمهوری آذربایجان، ایران و ارمنستان، و ایران و ترکمنستان را مجاز ساخت. در ژوئن ۱۹۹۵ ایران، ترکمنستان و ارمنستان قرارداد سه جانبه ای را برای گسترش بازرگانی زمینی میان سه کشور امضاء کردند (۲۳). ماه مارس آن سال شاهد به هم پیوستن شبکه راه آهن آسیای مرکزی به شبکه راه آهن ایران بود. این دو شبکه راه آهن در ماه مارس ۱۹۹۶ در حضور شمار زیادی از سران کشورهای منطقه یا نمایندگان آنان، به هم وصل شدند. سران کشورهای شرکت کننده در این مراسم موقعیت جغرافیایی ایران را، به عنوان پل اصلی برای دسترسی کشورهای خزر- آسیای مرکزی به دنیای خارج تعریف کردند (۲۴). در همان حال، ایران می تواند دسترسی مستقیم کشورهای عربی تولید کننده نفت خلیج فارس به منطقه خزر- آسیای مرکزی را تسهیل کند. کشورهایی که ممکن است خواهان درگیر کردن منافع ملی خود در فعالیت های اقتصادی منطقه ای باشند که می رود در بازارهای بین المللی انرژی رقیب منطقه خلیج فارس شود. همین گونه، به عنوان یک پل سرزمینی ارتباط دهنده خزر- آسیای مرکزی به اقیانوس هند، ایران می تواند نقشی محوری را در روابط بازرگانی هندوستان با آن منطقه بر عهده گیرد. کشتی های بازرگانی هندوستان در حال حاضر از بندر های گرجستان و اوکراین استفاده می کنند به اضافه صدها کیلومتر راه خشکی که از سرزمین های روسی می گذرد تا به آسیای مرکزی رسد. ایران پیشنهاد کرده است که هندوستان هزینه تاسیس ۷۰۰کیلومتر راه آهن وصل کننده باقی به مشهد را تامین نماید (۲۵)، تا راه دسترسی خلیج فارس به آسیای مرکزی را صدها کیلومتر کوتاه تر سازد. چنین کاری هندوستان را در آسیای مرکزی از برتری رقابتی آشکار نسبت به دیگران در شبه قاره برخوردار خواهد ساخت. بر اساس درک این موقعیت ممتاز بود که هندوستان و ترکمنستان در تاریخ ۲۲ فوریه ۱۹۹۷ با ایران قراردادی برای گسترش ارتباطات ترانزیتی امضاء کردند. بدون تردید امضای چنین قراردادهایی می تواند مقدمه ای باشد برای رسیدن به سرمزل بهره برداری کامل از امتیازات جغرافیایی استثنایی ایران.

#### ■ ژئوپولیتیک لوله های نفتی

منظور از اصطلاح "ژئوپولیتیک لوله های نفتی" ارائه راهنمایی هایی بود برای جلب توجه به امکاناتی که جغرافیای ایران در ایجاد ارتباط انرژی جهانی در اختیار می گذارد برای اعتلای قدرت سیاسی ایران و توجه دادن به موانعی بود که مخالفان ژئوپولیتیک هارتلند ایرانی در برابر آن امکانات به وجود می آوردند. نگارنده برای اولین بار به فارسی این اصطلاح را در کتاب "جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی" (انتشارات سمت – تهران ۱۳۸۱) و به انگلیسی زیر عنوانThe Geopolitics of Access در کتاب "Bridging A Gap" (انتشار IB Tauris-لندن و نیویورک -۲۰۰۳) مورد استفاده قرار داد.

به طور خلاصه این که: از دیدگاه اقتصادی، لوله کشی کردن نفت و گاز منطقه خزر – آسیای مرکزی به دنیای خاور و بازارهای جدید مصرف در هند و چین و همچنین به دنیای باختر از راه سرزمین های ایرانی، بدون تردید، عملی ترین راه قابل رقابت ساختن بهای نفت و گاز صادراتی این منطقه است. به ویژه هنگامی که صدور گاز از منابع عظیم گاز ایران در خلیج فارس به اروپا مورد نظر قرار گیرد. راه ایران به اروپا و آمریکا کوتاه ترین، امن ترین، و ارزان ترین گزینه را میان راه های صادراتی گوناگون برای صادر کردن کالای انرژی زای منطقه در اختیار می گذارد. فراتر، امکانات ایران در زمینه کارگر فنی ماهر در صنایع نفتی، تسهیلات بندری و حمل و نقل، پالایش و آلاشیگاه های موجود و شبکه موجود لوله های نفتی و گازی امتیازات فنی و لجستیک چشم گیری را در اختیار می گذارد که هیچ گزینه دیگری از راه های صدور نفت و گاز خزر- آسیای مرکزی را یارای هموردی با آن نخواهد بود. شبکه لوله های گازی ایران به جمهوری آذربایجان وصل است و در نزدیکی ترکمنستان قرار دارد. خط لوله ای که قزاقستان و ترکمنستان را به این شبکه وصل کند، دست کم، چهار برابر کوتاه تر و ارزان تر از هر گزینه دیگری است که بخواهد از راه سرزمین های سخت و ناامن به دریای سیاه یا مدیترانه کشیده شود.

امتیاز همه جانبه یک شبکه از خطوط لوله عبور کننده از راه ایران برای صدور نفت و گاز خزر- آسیای مرکزی بر همه آنان که دست اندر کار هستند آشکار است. چند قرارداد جهت بهره برداری از این مسیر به امضاء رسیده است برای صادر کردن نفت و گاز خزر به شبه قاره هند، چین، خاور دور، اروپا و استرالیا از راه ایران (۲۶). حتی صدور بخشی از نفت ترکمنستان، از طریق راه های زمینی، از مسیر ایران و ترکیه به مدیترانه آغاز شده و هنگامی که ژئوپولیتیک آمریکایی خنثی ساختن موقعیت جغرافیایی ایران در بازرگانی انرژی خزر- آسیای مرکزی از بهره گرفتن از این عملی ترین راه جلوگیری کرد، قزاقستان و ترکمنستان صدور قسمتی از نفت خام خود از راه مبادله با ایران را آغاز کردند. اعلامیه پایانی کنفرانس سران اکو (سازمان همکاری اقتصادی) در عشق آباد در ۱۴ می ۱۹۹۷ احتمال سرمایه گذاری مشترک برای تاسیس لوله های نفتی از راه ایران را مورد توجه قرار داد.

به هنگام اوج گیری بحث های مربوط به ژئوپولیتیک لوله های نفتی اعلام شد که ایران در نظر دارد یک خط لوله نفت رسانی از منطقه گوره در خوزستان به جاسک در کرانه های مکران تاسیس خواهد کرد. همان هنگام در نوشته هایی در نشریات ایرانی یاد آوری کردم که اگر می بینیم کشورهای عربی خلیج فارس بخشی از نفت صادراتی خود را از طریق لوله به کرانه هایی جز کرانه های خلیج فارس منتقل می کنند به علت حساسیت استراتژیکی تنگه هرمز است که زیر کنترل استراتژیک ایران حساسیت فوق العاده ای دارد، ایران به چه دلیل می خواهد بخشی از نفت صادراتی خود را از راه لوله های دور زنده تنگه هرمز صادر کند؟ ظاهرا این تذکر موثر بوده و لوله های احداث شده تبدیل به لوله های آب رسانی شدند. ولی در طرح های جدید ژئوپولیتیک لوله های نفتی می توان همان لوله گوره – جاسک را تبدیل به لوله های صادر کننده بخشی از نفت عراق از راه ایران به اقیانوس نمود.

علیرغم همه این احوال، وضعیت ایالات متحده آمریکا در قبال نقش ایران در این منطقه ناشی از این پیش داوری قاطع است که هیچ گونه نقش آفرینی ایرانی در امور خزر- آسیای مرکزی مورد علاقه ایالات متحده آمریکا و متحدان ترکی و اسرائیلی اش نبوده و نیست (۲۷). افزون بر این، ژئوپولیتیک آمریکایی منحرف ساختن راه های صدور نفت و گاز خزر- آسیای مرکزی از راه های طبیعی آن، نه تنها از ایده سود رساندن به متحد ترکی دیکته می شود تا از این طریق گونه ای کنترل استراتژیک نیز روی خطوط لوله برقرار شود، بلکه از این ایده نیز ناشی می شود که بالقوه های جغرافیایی ایران به عنوان تنها کشور ارتباط دهنده دو منطقه پر اهمیت خلیج فارس و خزر- آسیای مرکزی، امکان به دست آوردن نقش عمده ای در ژئوپولیتیک جهانی قرن بیست و یکم را در اختیار ایران می گذارد، و این امکان باید خنثی شود تا امنیت منطقه ای و جهانی مورد تفسیر ویژه ایالات متحده حفظ بماند (۲۸). این ژئوپولیتیک آمریکایی آشکارا ضد ایرانی در منطقه پی گیری می شود بی اعتنا به روند دموکراتیک شدن در ایران و برخلاف این حقیقت که "منافع ملی" به تدریج جانشین مصالح ایدئولوژیک در سیاست خارجی ایران منطقه شده و می شود.

فراتر، آنچه در ورای ژئوپولیتیک نفت و گاز خزر- آسیای مرکزی روی داده است امضای شمار زیادی قرارداد سرمایه گذاری در منطقه است که بر اساس آن ایالات متحده توانسته است ادعای داشتن "منافع" واقعی را در منطقه پیش کشد و این ادعا، به جای خود، تلاش واشنگتن را برای پر کردن خلاء ژئوپولیتیک برجای مانده از شوروی پیشین یاری دهد تا بتواند حرف آخر در امور منطقه را از آن خود سازد. در همین راستا بود که ایالات متحده کوشید ایران را در ژئوپولیتیک جدید غرب آسیا منزوی کند. آشکار است که عدم موفقیت ایران در ایجاد هماهنگی با دیگر کشورهای خزر برای سر و سامان دادن به رژیم حقوقی دریای خزر حالت سکوت و سکونی را در نقش آفرینی ایران در

ژرفای ژئوپولیتیک شمالی اش داد. از فراز چنین سکویی ژئوپولیتیک بوده است که ایالات متحده کوشید تا از راه گسترش ناتو به سوی خزر – آسیای مرکزی آرام – آرام به سوی ایجاد ترتیباتی امنیتی ویژه خود برای منطقه حرکت کند (۲۹).

شایان توجه است که ایالات متحده در اواخر دهه ۱۹۹۹ چند مانور نظامی مشترک را در آسیای مرکزی به صحنه آورد با شرکت همه کشورهای خزر- آسیای مرکزی به جز ایران، علیرغم حضور جغرافیایی و نفوذ فرهنگی پرتوان ایران در آن منطقه، ولی با شرکت دادن ترکیه که از اعضای ناتو است اما بدون هرگونه ارتباط جغرافیایی با منطقه خزر- آسیای مرکزی. این صف آرائی ژئو-استراتژیک سینه خیز رونده در منطقه، توام با اعلام ژانویه ۱۹۹۹ ایالات متحده در زمینه انتقال دادن پایگاه امریکایی انچرلیک در ترکیه به باکو در جمهوری آذربایجان، همراه با اعلام ۲۰ فوریه ۱۹۹۹ از سوی رئیس جمهوری آذربایجان که کشورش آماده پیوستن به ناتو است، تردیدی برجای نگذارده است که ایالات متحده در اندیشه نظامی کردن آسیای باختری بود بی آنکه دلیلی حقیقی برای نظامی کردن منطقه وجود داشته باشد، و یا موفقیت زیادی کسب کرده باشد (۳۰). پیشنهاد ترکیه در سال ۲۰۰۰ جهت شکل دادن به یک ترتیبات امنیتی برای قفقاز، به بهانه جنگ داخلی چین، موفقیتی حاصل نکرد. پیشنهاد ترکیه در زمینه ایجاد ترتیباتی امنیتی در منطقه با شرکت دادن اعضای ناتو و بدون حضور بازی گران منطقه ای چون ایران، تنها می توانست سوء ظن مربوط به گسترش سینه خیز ناتو به سوی خزر- آسیای مرکزی را واقعی جلوه دهد (۳۱)؛ و این سرانجامی است که می تواند موازنه های کنونی را در منطقه سرنگون سازد و نا امنی را در آن بخش از جهان فزونی بخشد.

#### ■ نتیجه

آنچه از دید مطالعات ژئوپولیتیکی مسلم می نماید این حقیقت است که موقعیت جغرافیایی بی همتای ایران میان خلیج فارس – دریای عمان (دریای مکران) و منطقه خزر – آسیای مرکزی در دگرگونی های ژئوپولیتیکی شگرف ناشی از سر آمدن دوران جنگ سرد و فروپاشی نظام ژئوپولیتیکی جهان دو قطبی در سرآغاز دهه ۱۹۹۰ شکوفایی چشمگیری پیدا کرد و در عمل تعاریف نوینی که از موقعیت جغرافیایی جدید ایران جلوه گر شد ایران را در مقام پلی سرزمینی میان سرزمین های ورای شمال و جنوبش قرار داد و با این جلوه‌گری ژئوپولیتیکی جدید ظرفیت ارتباط دادن ژرفای ژئوپولیتیک شمالی ایران به ژرفای ژئوپولیتیک جنوبی اش را به نمایش گذارد. در این دگرگون شدن چشمگیر نقش آفرینی ژئوپولیتیکی، سرزمین ایران توان آن را یافته است تا از راه اختصاص دادن بندری از بنادر فراوانش در کرانه های مکران به هریک از کشورهای محاصره شده درخشکی خزر- آسیای مرکزی برای استفاده اختصاصی و خود مختار آنها در چارچوب حاکمیت ملی و حکومت قوانین خود، تبدیل به هارتلند جدیدی در جهان ژئوپولیتیک کنونی شود که شبکه ای از راه های هوایی و زمینی و راه آهن دسترسی ژئواکونومیکی کشورهای محاصره شده در خشکی خزر – آسیای مرکزی به راه های بازرگانی بین المللی اقیانوس هند را واقعیت بخشد. نه تنها این کار موقعیت جغرافیایی کم مانند ایران را به یک موقعیت ژئوپولیتیک بی همتا در نظام جهانی تبدیل خواهد کرد، بلکه کشورهای منطقه خزر- آسیای مرکزی را از امکان دسترسی مستقیم به راه های بازرگانی بین المللی برخوردار ساخته و کشورهای خلیج فارس را نیز از امکان دسترسی آسان برای به دست آوردن نقشی در بازرگانی انرژی منطقه خزر- آسیای مرکزی برخوردار خواهد کرد و این گونه خواهد بود که جغرافیای ایران تبدیل به قدرت والای ژئوپولیتیک ایرانی خواهد شد (۳۲).

با این که برخی از محافل دانقگاهی ایران این پیشنهاد را پذیرفته و در غالب "طرح شمال – جنوب" مطرح کردند و با این که یکی – دو کشور منطقه آسیای مرکزی علاقه خود را به شرکت در این طرح اعلام کردند، با آن که فرضیه ارتباط ژرفای ژئوپولیتیک شمالی ایران به ژرفای ژئوپولیتیک جنوبی اش از راه های یاد شده مورد استقبال کشورهای منطقه آسیای مرکزی قرار گرفت و یکی – دو کشور از آن میان رسما اعلام آمادگی کردند که با استفاده خودمختارانه از بنداری در جنوب ایران این ژئوپولیتیک ممتاز را عملی سازند و با آنکه برخی محافل دانشگاهی اجرای این فرضیه را در چارچوب اصطلاح "شمال و جنوب" به دولت پیشنهاد دادند، جمهوری اسلامی ایران در این راستا گامی برنداشته است. با این حال، نباید همه فرصت ها را از بین رفته تلقی کرد و اگرچه دولت ایران عملا و رسما وارد مرحله اجرایی این طرح نشده و از فرصت های موجود استفاده نکرده است، می تواند پس از حل مشکلات موجود در روابط خارجی و بین المللی خود، به ویژه با دنیای غرب، آغازی تازه را بنا نهد برای به عمل در آوردن بالقوه های ژئوپلیتیکی یاد شده چون از این دید ویژه هیچ گاه برای آغاز این کار دیر نخواهد بود.

**منابع در روزنامه خراسان موجود است.**

\* این مقاله در همایش توسعه منطقه مکران در خرداد ۱۳۹۳ در جاسک ارائه شده است.

روزنامه خراسان

به مسئولیت علمی و چهارمین سالگرد

عملیات مروری و روز نیروی دریایی

ژوئیه یک هزار و سیصد و نود و سه

عشق و قدرت